

هنر به مثابه یک کل اجتماعی  
زیبایی شناسانه  
از: پاکوف لوف  
ترجمه: الف پایدار

# مردم قهرمان ایران توطئه مشترک امپریالیسم آمریکا و رژیم ضد خلقی بعث عراق را درهم خواهند شکست

نگاه‌گیران به حوادث ماه‌های اخیر به روشنی نشان می‌دهد که چگونه رژیم بعثی عراق دست در دست ارتجاع منطقه و امپریالیسم جهانی در راه سلب آزادی و استقلال برای تدارک حمله به جمهوری اسلامی ایران به توطئه چینی مشغول بوده است.

امپریالیسم آمریکا که از فردای پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی برای ناکام ساختن و به انحراف کشیدن آن از هیچ کوششی فروگذار نکرد و با ترتیب مذاکره لیبیالها - برزیل - در الجزایر، توطئه طیس و طرح‌ریزی کودتا نتوانسته بود به هدف‌ها و مقاصد امپریالیستی و ضد خلقی خود نایل آید، ناچار شد با کشتن زرادخانه عظیم نظامی خود به حوض ایران و به گردش در آوردن انواع ناوها و هواپیماهای غول پیکردر پیما گاه‌های خود در اقیانوس هند، دریای عمان و خلیج فارس و استقرار واحدهای ضربتی در نزدیکی آب‌های ساحلی ایران به اجرای توطئه جدیدی دست یازد که حاصل آن حمله رژیم منافق بعث عراق به ایران بود.

رژیم بعثی عراق به عنوان مجری طرح جدید امپریالیسم آمریکا در ایران بنا به ماهیت ضد خلقی خود مستعد همه نوع همکاری با دشمنان سوگند خورده انقلاب اسلامی

ایران - امپریالیسم و ارتجاع منطقه است. این رژیم ضد ملی از فردای انقلاب ایران پناگاه کشف تریبون مزدوران فراری رژیم منافق شده و همه نوع وسایل تخریبی برای برانداختن رژیم انقلابی نوین دما در اختیار آنان گذاشت.

پس از اینکه هیچیک از نقشه‌های امپریالیسم و رژیم ضد مومکراتیک بغداد موثر واقع نشد، چرخش جدیدی در سیاست دشمنان انقلاب ایران در میان کشورهای عرب منطقه و امپریالیسم بوجود آمد.

طبق این نقشه می‌بایست رژیم بعثی عراق با تجاوز گستاخانه به خاک ایران، رژیم انقلابی ایران را سرنگون سازد و در صورت ناکامی منطقه غرب و جنوب غربی ایران را برای تاسیس دولتی متشکل از قصابان رژیم شاه - اویسی، پالیزیان - و روسپیان سیاسی چون بختیار، نزیه و غیره جدا نماید.

در پی تدارک این نقشه بود که صدام‌خائن با عده‌ای از مقامات بلند پایه نظامی - امنیتی عراق به دیدار ملک خالد پادشاه عربستان سعودی می‌رود و همزمان بختیار، نزیه و نهدی و دو ژنرال اسرائیلی در تدارک توطئه تازه‌ای علیه انقلاب ایران با یکدیگر ملاقات می‌کنند (کپسک) در صفحه ۶

### نامه

شورای نویسندگان و هنرمندان ایران به:

مردم انقلابی ایران، روشنفکران

آگاه و میهن دوست،

هنرمندان و نویسندگان

شرافتمند

و آزاده و میهن پرست!

در صفحه ۲

## گندم ابزار تهدید

سازند. کارتر هنگام مبارزه انتخاباتی ۱۹۷۶ اعلام داشته بود که تجارت محصولات غذایی یک امر بازرگانی و انسانی است و هیچ ربطی به سیاست و دیپلماسی ندارد. او بلافاصله گزاف می‌گفت: "من هرگز از محصولات غذایی به عنوان وسیله فشار استفاده نخواهم کرد. من در هر وضع و احوال، حتی در صورتی که لزوم فشار اقتصادی به ملت دیگر احساس شود، به اسلحه غذایی متوسل نخواهم شد." اکنون رهبران آمریکا در مدار خله دائمی دولت در میادلات با زرگنتی، سیاست بی‌پرده‌ای اعمال می‌کنند. این مداخله به منظور برقرار نگه داشتن بر صدور گندم و وابسته کردن آن به هدفهای سیاست خارجی است.

در ۱۹۷۷ بولتن خبری اتحادیه بین المللی سندیکا - های کارگران کشاورزی، جنگلها و درختکاران دست به انتشار مقاله‌ای تحت عنوان "آخرین سلاح آنها" زد. در این مقاله سیاست آمریکا در زمینه صدور محصولات کشاورزی که به عنوان وسیله فشار سیاسی بر کشورهای دیگر بر می‌رسد مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

### عقب‌گرد

در این اواخر فعالیت رهبری آمریکا موجب جلب توجه اذهان به مساله مذکور شده است. رهبران کنونی ایالات متحده آمریکا، شخص کارتر و مشاورانش، خود را عامل "تامین رفاه" و "حفاظت" دولت‌های مستقل و نامودمی-

در صفحه ۴

## امپریالیسم آمریکا بولبول نژاد پرستی و نقض حقوق بشر در سراسر جهان است



ایالات متحده آمریکا ۳۰ قرارداد از ۴۰ قرارداد مورد عمل بین المللی در زمینه دفاع از حقوق بشر امضاء نکرده است. علاوه بر این، این کشور از ۱۴۹ قرارداد بین المللی که در خصوص شرایط کار در شاخه‌های مختلف صنعت و حمل و نقل فقط هفت تای آن را پذیرفته است.

بدون این واقعیت انسان را مات و متحیر می‌سازد، زیرا به نظر می‌رسد که آمریکا با آن همه جنگل و سرودمدار باره حقوق بشر می‌بایست از نخستین دولت‌های امضاء کننده موافقت نامه‌های مصوب بین المللی در دفاع از حقوق انسان بوده باشد.

یک تحلیل موجز امکان می‌دهد که از انگیزه‌های رفتار به ظاهر "غیر منطقی" اما سالوسانه رهبران جهانخواه آمریکا بیش از پیش آگاهی یابیم.

### نژادگش در آمریکا

در ۱۹۴۸ در زمان ریاست جمهوری ترومن، آمریکا قرار داد مربوط به منع جنایت نژادگش را امضاء کرد. این قرار داد جای ویژه‌ای در بین اسناد حقوق بین المللی دارد اما نه ترومن و نه جان نشینان وی منجمله کارتر که این قرارداد را در ۱۹۷۸ برای بررسی به سنا عرضه کرد، نتوانستند آن را به در صفحه ۲

## گروه مقاومت اسلامی اسلاف الصالح

در صفحه ۶

پاره‌ای از ارزیابی‌های

حزب کمونیست

عربستان سعودی

در صفحه ۶

## گسترش دیوانه‌وار پایگاه‌های نظامی آمریکادر جهان

در خود ایالات متحده مطالب رنگارنگی منتشر می‌شود که نشان‌دهنده علاقه شدید این کشور به داشتن سرکردگی جهان است. گزارشی به کمیسیون مورخارجه سنای آمریکا در آوریل ۱۹۷۹ نشان می‌دهد که در اواسط سالهای ۷۰ تغییرات شدیدی در سیاست اقتصادی و نظامی بوجود آمده است. این تغییرات وضعی چون و چرا ایالات متحده آمریکا را به عنوان ابرقدرت جهانی به خطر می‌اندازد و موجب می‌شود که صرفاً در قلمرو نظامی برتری داشته باشد... "بدر نتیجه ۱۱ مکان‌های ایالات متحده در استفاده از قدرت نظامی برای

بحران شدید هیستری نظامی در ایالات متحده ادامه دارد. واشنگتن می‌کوشد با عنوان کردن به اصطلاح "خطر شوروی" سیاست نظامی‌گریش را توجیه کند. اما علی‌رغم هیاهوی تبلیغاتی سازمان یافته محافظ رهبری آمریکا، هدفیایی که آنها تعقیب می‌کنند، در افکار عمومی جهان بیش از پیش افشاء می‌شود. هفته‌نامه آلمان با اختیاری دوپیه فلوکس زینتوگ می‌نویسد آمریکا از دیرباز نقش ژاندارم جهانی را به عهده گرفته و خود را به عنوان با زوی مسلح "شیوه زندگی" آمریکا به جهان تحمیل می‌کند.







از یاکوف لف

هنر به مثابه یک کل اجتماعی - زیبایی شناسانه

ترجمه: الف پایدار

تحلیل زیبایی شناسانه هنر با درک تپ شنا سوسا و اختلا شخصیت انسان معاصر ارتباط نزدیک دارد. در جامعه سوسیالیستی شرایط عینی برای وجود همگون و هماهنگ فرد در درجه اول اهمیت قرار میگیرد و وجود دارد. در حالی که در جامعه بورژوازی تنش های سرشار از تضادهای اجتماعی در زندگی روزانه و عواقب منفی پیشرفتهای علمی و فنی، سنت های معنوی را از زمین میبرد، ارزش های بنیادی را نابود میکند و در نهایت کمال فردی را به نیستی میکشاند. در جامعه بورژوازی معاصر انسان اسیر گرسنگی عاطفی است، او به طرز بارور و نگرندنی خشک و تعقلی است و جامعه با بی تفاوتی به زندگی خصوصی و دنیای درونی فرد مینگرد. در این جامعه روان درمانی - که هدفش جیبسرازی است - عاقلانه، عاطفی فرد است. میگوید تا تیری آراش بخش بر نا خود آگاه فرد بگذارد.

اما این تلاش تنها توهم بهبودی و سلامت را در انسان مسخ شده می آفریند. در صورتی که هنر با توانایی به باز نیامدن کامل جهان میتواند بر انسان تأثیری متناسب و موزون نهد. در واقع احساس کمال بیافریند و به هستی او هدفی جهانی بخشد. یک اثر واقعاً برجسته هنری کیفیات زیر را در خود دارد: روندهای عینی زندگی اجتماعی و معنوی جامعه را منعکس میکند، تمام سطوح و زوایای این زندگی را "در بر میگیرد" و آنها را در درون خود ترکیب مینماید.

اما لازمه تحقق این امکانات آن است که روند تأثیر گذاری هنری هم بر اساس ختلهای منطقی و ایدئولوژیک فرد (از قبیل سطح آموزش زیبایی شناسانه) اثرگذار و دوام داشته باشد. عاقلانی او را در گون نماند.

ضرورت تشدید تأثیر گذاری زیبایی شناسانه از طریق هنر امری است که زندگی معنوی انسان مدرن آنرا تا پید می کند: انسان معاصربه ارزش های روحی پایدار و "ایدئ" - سنت های ملی، اندیشیدن در قالب تصاویر ذهنی فرهنگ قومی و غیره - گرایش دارد، به عبارت دیگر انسان معاصر در جستجوی آن دسته ارزش های روحی و زیبایی شناسانه است که حاکی از گذشته بیوند میزند، احساسی پایدار را از جا هیبت و کلیت زندگی در او برمی انگیزد. انسان مدرن احساس زخم گسیختگی در "زنجیر زمان" را خوش نمی دارد.

تاریخ هنرشناسان بورژوا در پایان قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم کوشیدند تا برخی خصوصیات هنر را که می توانست معرف هنر به مثابه یک پدیده همگون زیبایی - شناسانه باشد کشف نمایند.

مثلاً هنریش ولفین می پنداشت هنر یک وجود تزئینی و آرایشی است که در جامعه فردیت هنرمند شکوفا می گردد. از این دیدگاه شکل کلی نگرش هنری، خصلت عام هنر است. تلاش های ولفین در این زمینه محدود به بررسی خصلتهای صوری هنر می شد، و لذا سرمدار دبستان وین نمی توانست جز راه حلی شکل گرایانه و صوری را مسئله بدست دهد.

ارنست گوته و اینر نرفر بعدی بود که کوشید اصول کلی هنر و خصلت های سبک هنری را بر مبنای سه عامل بنیادی زیر تعیین می کرد: عامل ساختاری، آرایشی و تزئینی. به نظر گوته - و اینر سبک واقعی جنبه کارکردی دارد و بدین جهت هنر حقیقی همیشه وابسته به ساختمان و صرفه جویی در کاربرد مواد و مصالح است. فقدان سبک مایه آزار گوته - و اینر بود و به نظر او این عامل بر هنر قرن نوزدهم حکومت میکرد. نارسایی در روش شناسی، کشف اصول بنیادی و جهانی هنر را برای گوته و اینر - و نیز ولفین - ناممکن می نمود.

از جمله این نارسایی ها آنکارا این واقعیت بود که زندگی معنوی بر رده هنر و سبک های هنری تأثیر مستقیم دارد. گوته - و اینر و ولفین خیلی مبهم و کلی به این واقعیت اشاره می کنند که ویژگی زیبایی شناسانه هنر را زندگی اجتماعی و حتی عوامل مادی و اقتصادی تعیین می کنند. به نظر گوته - و اینر این عوامل از طریق سبک هنری درک می شوند. و ولفین معتقد است که تأثیر زندگی اجتماعی بر هنر از طریق ایده یا صورتی از شکل و صورت که یک ملت در راست اعمال می شود. با این حال هیچکدام گامی فراتر از این نمی گذارند.

بدین جهت ضرورت کشف بنیادهای ویژه ای که نقش تعیین کننده در یکا نگی زیبایی شناسانه و بدعت هنری دارند، هنوز هم به قوت خود باقی است. در اینجا باید به این نکته اشاره کرد که تاریخ هنر و لایه وسط بنیاد دارد.

لایه نخست، لایه ملموس و بی واسطه اجتماعی است که در آن مسائل مشخص تاریخی مربوط به جنبه های هنری و اجتماعی هنر متجلی می شوند. در این سطح روش ها و سبک های ویژه هنری پدید می آید که سازگار با شرایط تاریخی

وسلیقه رشد یافته هنری زمان خود دارند. پدید می آید و هنرهای پلاستیک عهد باستان، هنر عصر نوزایی، گوتیک، کلاسیسم، رومانسیسم، رنسانس و مدرنیسم ناشی از این سازگاری است.

اما لایه یا سطح دیگری که در تاریخ هنر پهلوه به پهلوهی این لایه میزند، آفرینش توده ای لایه، فرهنگ قومی است که در جریان انتقال از عصری به عصر دیگر مهمترین ارزشهای هنری عام و مبنای آن حفظ می گردد. این فرهنگ تقریباً دستخوش هیچ گونه دگرگونی و آرایش نمی شود و شیوه های جهان - نگر تصویر آن، به محض شکل گرفتن ثابت باقی می ماند. فرهنگ قومی و ذهن هنری توده ای که بر زمینه های ذهن و آگاهی اساطیری باستانی استوار است، و نیز هنر "کارناوال" توده های مردم در زمان های معاصر که به نوبه خود متکی بر فرهنگ توده ای است، به این لایه تعلق داشته و در چارچوب آن عمل می کنند. جنبه، نما دین چنین هنر زیبا است و ارزش های زیبایی شناسانه ذهن هنری توده ای در چگونگی تصویر نگاری آن مرکز می یابد، با این حال گاهی این هنر از جوه کم اهمیت و پیش پا افتاده فرهنگ قومی نیز گرفته بر می آید. هنرمند راستین تنها هنگامی واقعاً موفق است که به درک عمیق آگاهی هنری توده ای نائل شود و آن را با مشکلات ملموس زندگی اجتماعی بیامیزد. تنها بدین شیوه هنرمند می تواند به صداقت و یکا نگی هنری دست یابد. ویژگی هنر به مثابه یک کل اجتماعی زیبایی شناسانه در این است که اجزای لایه های آن وحدتی موزون و هماهنگ با یکدیگر دارند و لذا از دیگر نظام های فرهنگی پایدار ترند.

در مواردی که بین لایه اساطیری توده ای و لایه ملموس اجتماعی تضادی پدید می آید، هنر هنری یکپارچگی و یکا نگی خود را از دست می دهد. در این صورت برخی ویژگی های شکلی فعالیت هنری که گامان باقی می ماند، اما نابودی وحدت عضوی جزا به نابودی ماهیت با زتاب هنری می انجامد، و تردیدی نیست که یک اثر منسجم هنری به این ماهیت نیاز میزیم دارد.

کش هنرمندان بزرگ به با آفرینی کامل جهان بیاد و وضوح بیشتری در دورانها برجسته، تجربه و کنکا ش هنری به چشم می خورد. منتقدین بسیاری برای این نکته تأکید نموده اند. مثلاً و سه لائوسکی هنگام بررسی فرهنگ قرون وسطی می نویسد: "آوازه خوان... نا خود آگاه آن دسته از سنت ها، افسانه ها و آوازه های مکرر را بر میگزیند که نسل های زیادی از خوانندگان و شنوندگان تدریجاً آنها را با زمان و میزان درک خود سازگار کرده اند." (۱) و سه لائوسکی پس می افزاید: "در آمیختن این کلیات با حماسه ها و شخصیت های ثابت داستانی - های سرآر میزن نشانهای آکا از امکان پیشرفت بعدی هنر و دست یابی به هسته های نمایشی زندگی بود." (۲)

روند ترکیب و دگرگونی افسانه های قومی را کنراد در تحلیلی از افسانه زاپنی مربوط به قرن های ۱۲ تا ۱۴ میلادی به خوبی نشان می دهد. اساس این افسانه را فرهنگ قومی اعصاب گذشته، با به عبارت دقیق تر فرهنگ قومی جامعه عشیرتی می ساخت. روند ترکیب و دگرگونی این افسانه چنین بود که "فرهنگ قومی مربوط به اسطوره های آفرینش جهان، افسانه ها و قصه های پریان" (۳) به افسانه های فئودالی، "به فرهنگ قومی آموزشی در قالب قصه های پریان - که ماده اولیه خود را از زندگی معاصر یا تاریخ می گرفتند" (۴) تغییر شکل می دهد. به عبارت دیگر، این افسانه بر مبنای نیازها و وظایف اجتماعی که طبقه فئودال ژاپن برای خود قائل بود شکل می گیرد. کنراد می افزاید "رشته های آفرینش های قومی در آینده تداوم می یابد. ادبیات هیچیک از قشرهای اجتماعی نمی توانست پدید آید، بی آنکه طبقه آفریننده آن، مرحله مقدما تی آفرینش فرهنگ قومی را پشت سر نهاده باشد. این امر در مورد ادبیات فئودالی، مخصوصاً حماسه های فئودالی، که از جنبه مناسبتی در فرهنگ قومی تغذیه می کردند، نیز صادق بود." (۵)

اما روند ترکیب لایه و فرهنگ قومی نباید مصنوعی و کاملاً تابع مسائل ضروری و اساسی روز باشد. در عین حال این لایه نباید تنها به ترکیب با یک سنت فرهنگی نزدیک محدود گردد. ترکیب واقعی و با آ و رسنت، خصلتی "جهانی" دارد. چنین ترکیبی چیزی از گذشته بر میگزیند که چشم انداز های نامحدود رده هنر را تعیین می کنند.

بررسی مسئله "سنت و نوآوری" در پنجمین کنگره بین المللی زیبایی شناسی در آمستردام (۱۹۶۵) جای خالی داشت. دوتن از زیبایی شناسان به نام شوروی - میخائیل او - سیانیکوف در مقاله ای تحت عنوان "ماهیت نوآوری در هنر"، و نیکولای گونچارنکوف در مقاله ای به نام "در باره معیار رونق هنر" - مسئله جنبه های سازنده نوآوری را مطرح کردند و نشان دادند که نوآوری با پویای اقتصادی و اجتماعی در حال تکوین در جامعه بستگی نزدیک دارد. تخریب

ما رکیستی - لنینیستی پیشرفت و تکامل هنر را مفهوم کثرت گرایانه رده هنر متضاد است (این نظریه را توماس مونو - رکتاب خود تکامل در هنرها به بهترین شکل بیان کرده است). به نظر مونو و هیچیک از عوامل اجتماعی به تنهایی از چنان اعتبار جهانی عام برخوردار نیست که عنصر بنیادی و تعیین کننده باشد. (۶) و بنا بر این باید بر جستجوی تجربی تکیه داشت که وظیفه اش "کشف این امر است که در هر موردی کدام عوامل با چه قدرت نسبی و در چه هیئتی ظاهر می شوند" (۷) در اغلب مقاله ها برای بحث و گفتگو در کنگره طرح می شد، توجه بیشتر به بررسی مسئله ترکیب تاریخی سنت های متأخر معطوف بود.

دانیل جی. کراولی از کالیفرنیا این مسئله را به شیوه ای اساسی مطرح کرد. در مقاله ای تحت عنوان "نوآوری در هنر آفریقا" کراولی کوشید تا بر واقعیت را نشان دهد که پویای در حال تکوین در هنر معاصر آفریقا ریشه های عمیق توده ای دارند. (۸)

لوئیجی پائولون در مقاله ای به نام "سنت و نوآوری" برای این نکته تأکید داشت که هنرمندان باید در اثر خود با مهارت "نور با میراث گذشته بیامیزد، با ریلون بر نوآوری های آون گارده بیشتر تأکید می نمود. به نظر او تداوم نوآوری در هنر اول می بایست در قلمرو شکل هنری خود را نشان دهد. (۹)

در هفتمین کنگره بین المللی زیبایی شناسی (بخارست، ۱۹۷۲) مایکل دافرنه از فرانسه گفتاری پیرامون رابطه هنر و سیاست ایرا کرد. به نظر دافرنه برای انقلابی کردن "هر چه بیشتر هنر" که با پدید آوری و سرچشمه لذت باشد - باید از هر گونه میراثی، حتی میراث های فرهنگی گذشته دور، چشم پوشی نمود. به اعتقاد او هنر باید ارزشهای "استعمار - گر" را نابود کند، ایدئولوژی را که سبب سترو شدن هنر می گردد و به سخره گیرد، با رمایه حیاتی را از آن جدا نماید و به لذت عمیق و نشاط و نشئه بینجامد.

دافرنه در گفتگویی پیرامون این نظریه "آشوب گرایانه اظهار داشت بیشتر به این مسئله علاقمند است که چگونه میتوانیم خود را از قید و بند فرهنگ رها سازیم تا بتوانیم به چیزی بدوی و ابتدایی بازگردیم."

در این گونه نظریات است که بورژوازی معاصر نقطه نظرهای مضحک ضد فرهنگ و تمام انواع تجربیات "مسیحی و انقلابی" موقتی خود را لباس تشویریک می پوشاند. و در اینجا مجال آن نیست که زمینه های سیاسی و اجتماعی مسئله اخیراً بررسی کنیم.

گرایشهای آشوب گرایانه از این دست واکنشی منفی در بیشتر حاضران در کنگره برانگیخت. مثلاً جیانوا تیمو نماینده ایتالیایی حاضر در کنگره، به دافرنه پاسخ می دهد و نتیجه گرافی معاصر را محکوم می کند: "نیچه یک روشنفکر طاعنی و یک خرده بورژوا بود... هنرمند همیشه باید رابطه نزدیکی با قضای اصلی خود داشته باشد." (۱۱)

یکی از جنبه های اصلی تحقیق درباره پایدارترین وجهانی ترین زمینه های هستی و تحول هنر، وجود روش تحقیق مناسب است. روش شناسی علمی این امکان را مهیا می سازد که ورشکستگی مفاهیم آشوب گرایانه و "کثرت گرایانه" در زیبایی شناسی بورژوازی و مدرنیستی نشان داده شده در عین حال اگر هنر را پدیده ای در نظر گیریم که میان فرهنگ قومی و لایه ملموس اجتماعی وحدت و یکا نگی ایجاد میکند آنگاه میتوانیم معیار ارزش گذاری آفرینندگی هنری واقعاً و هنر راستین را بیابیم.

به همین دلیل است که با ختین هنگام بررسی اثر فرانسیس رابله می نویسد: "واقعیت های معاصر که در اثر رابله با عمق و گستردگی منعکس شده اند، به یاری تصاویری که از جنبه های توده ای و ام گرفته شده روشنی و وضوح بیشتر می یابند. با این حال مناسبترین چشم اندازها برای این واقعیت ها، در مقایسه با آرمانها و آرزوهای توده ای محدود و بسیار دور از دسترس می نمایند." (۱۲) به همین علت "مهم ترین ویژگی اثر رابله در این است که او بیش از دیگران با منابع فرهنگ توده ای ارتباط برقرار میکند، و همین منابع نقش تعیین کننده در کیفیت تصویرنگاری و بینش هنری او دارند." (۱۳)

پیوند ژرف و عضوی میان رابله و منابع فرهنگی توده ای مطلقاً باعث نمی شود که او هنرمند برجسته عصر خود نباشد. به مشکلات حیاتی جامعه نپردازد و پویا سخنرمانانه برای آنها نیابد. برعکس، این پیوند او را یاری می دهد تا با ژرف نگری به دنیای پیرامونش بنگرد. باختین تأکید میکند "مسائل سیاسی روز نقش پراهمیتی در داستان دارند... رابله نسبت به مایه های که در عصر او جریان داشتت مواضع بسیار مترقی می گیرد." (۱۴) یونینا، رابله شناس در صفحه ۴



### بقیه: گندم ابزار تهدید

لازم به یادآوری است که شورای سیاست اقتصادی که به منظور "هما هنگ نمودن" تجارت محصولات غذایی زیربهری رئیس جمهور فعالیت میکند، متشکل از نماینده کمیسیون اقتصاد کشاورزی و نمایندگان دولت، سیا و شورای امنیت ملی است. درحقیقت اجرای چنین سیاستی اصول سیستم روابط بین المللی را تحت الشعاع قرار میدهد. محاصره اقتصادی ایران از جانب دولتهای امپریالیستی و در رأس آنها آمریکا و منع صدور گندم به اتحاد شوروی برخلاف قرار دادهای منعقد شده نتیجه اعمال چنین سیاستی است.

### سیاست روز به روز

در ۱۹۷۴، با تیز و زیرپیشین کشاورزی آمریکا در کنفرانس پیرامون تغذیه در رم اعلام داشت: "مواد غذایی در شما رسلحا قرار دارند و وسیله عمده ای برای گفتگو و مذاکره اند. کمک غذایی به هدفهای سیاسی خدمت میکند." گزارشی سیاه که در ۱۹۷۵ منتشر شد سرشار از زمین اندیشه است و به اهمیت افزایش نقش ایالات متحده آمریکا در قلمرو مواد غذایی تکیه می کند، زیرا در این صورت واشنگتن "آمریت زندگی و مرگ انسانها" را در بسیاری از کشورهای به دست می آورد.

در واقع ایالات متحده از آغاز سال ۷۰ بدینسان عمل کرده است. زیرا هنگامی که دولت وحدت ملی به رهبری آئنده دربی انتخابات به قدرت رسید (و در کشور دست به دگرگونیهای ترقیخواهانه منجمده در قلمرو کشاورزی زد) حکومت آمریکا فروش گندم و سایر محصولات غذایی را به شیلی منع کرد و در ۱۹۷۳ پس از سرنگونی رژیم خلقی آئنده و روی کار آمدن دارودسته فاشیستی پینوشه تحویل گندم به شیلی را از سر گرفت. در اواسط سالهای ۷۰ هندی در نتیجه خشکالی با وضع دشواری روبرو شد. ایالات متحده که در آن هنگام از سیاست مستقل این کشور ناراضی بود، تحویل گندم و دیگر اقرا ورده های کشاورزی را به هند قطع کرد و بدینسان میلیونها انسان را در معرض قحطی و گرسنگی قرار داد.

در آغاز سال دولت آمریکا اظهار داشت که ایس کشور به کمک (حقیقتا نا چیز) خود به کامپوچیا که به وسیله سازمانهای بین المللی انجام میگردد، خودداری میکند. هنگ سا مریخ رئیس کمیته مرکزی جبهه متحد ملی رهائی کامپوچ در بی این تصمیم اعلام داشت: "... هدف اساسی هیاهوی سالوسانه مقامات آمریکا در باره کمک ضروری به خلق کامپوچ برای نجات شان از خطر گرسنگی در حقیقت سازمان دادن کمک غذایی به باندپول پوت از طریق تایلند بوده است که قسمت عمده این کمک را دریافت می نمود. هنگامی که این نقشه برملا شد، سازمانهای بین المللی "کمک" را به بنومین و کامپونگ سون ارسال

دا شدند. واشنگتن تصمیم گرفت برای پایان دادن به این کمک فشار وارد آورد!

### آیا این ممنوعیت مؤثر است

با این همه، این استراتژی در خود ایالات متحده و در سایر کشورها با موانع جدی روبرو میگردد. دولت شوروی در خصوص منع فروش غله اعلام داشت "واشنگتن میکوشد ما نده ده سال پیش به زبان "جنگ سرد" با ما سخن بگوید. بدیهی است ما میتوانیم از برخی روابط با ایالات متحده چشم پوشیم. ما خود را تحمیل نمیکنیم، اما ما همیشه در این فکر بوده ایم که این روابط متقا بلا سود مندند و با سخگوی منافع خلقهای کشورهای مان هستند و قبل از هر چیز به تحکیم صلح خدمت میکنند... تا کیدات و قیقا نه در باره "کمبود مواد غذایی" در اتحاد شوروی مبتنی بر تصویرنا درست از قدرت اقتصادی ما ست."

همانطور که بر گلاندوزیر کشاورزی آمریکا یکی از طرفداران دوآتشه ممنوعیت اعلام داشت: خود آمریکا شیا میفهمند که استفاده از مواد غذایی به عنوان سلاح دیپلماتیک به معنای ناقص الغض کردن خود است.

### تف سر بالا

مستشاران معروف آمریکا در زمینه کشاورزی معتقدند که تولید کنندگان غلات نخستین قربانان تصمیم گارتند. بعلاوه، این ممنوعیت در فعالیت با نکهای کشاورزی، صنایع کود، وسایل حمل و نقل و فعالیتهای بورس اثر میگذارد. طبق اطلاعاتی رسانه های گروهی و نمایندگان محافل بازرگانی، سیاست کاخ سفید برای آمریکا شیا بوده که در رال گران تمام خواهد شد. تا ثیر این سیاست مخصوصا در کسربودجه تجارت خارجی محسوس خواهد بود. طبق ارزیابی های دستگاه اداری واشنگتن تعلیق فروش غلات، ایالات متحده را از یک درآمد بزرگانی ۲/۵-۳ میلیار ددلاری محروم میسازد.

سنا تورج، مونگمری اعلام داشت: "اگر برای تقویت بازار اقدامات فوری به عمل نیاید، خسارتهای وارده به مزرعه داران، صاحبان راه آهن، کامیونداران، کشتی داران و شرکتهای فروشنده غله متجاوزا ۱۵ تا ۲۰ میلیار ددلار خواهد بود.

بر گلاندوزیر کشاورزی آمریکا در ماه خود هنگام برگزاری بیست و ششمین اجلاس کنفرانس سازمان خوار و با و کشاورزی (فا شو) در ماه نوامبر ۱۹۷۹ اعلام داشت: "پرزیدنت کا رتر به من دستور داد در سیاست آمریکا در زمینه مواد غذایی و کشاورزی تغییراتی بوجود آورم تا این سیاست پاسخگوی هدفهای سه گانه تکمیلی زیر باشد:

- تا مین تشبیت قیمتها برای ایجاد یک اقتصاد ملی مولد و سالم و حمایت از خریداران محلی و خارجی در برابر بی نظمی بدون کنترل قیمتها.

- تا مین ثبات در تحویل محصولات... و کاهش نتایج کمبود این محصولات در محل و در خارج.  
- تنفیر بر بنا مه های کمک غذایی بین المللی، - کرگون کردن ان از راه رشد اقتصا دی جهان منجمله رشد کشاورزی...  
" ما در اجرای این وظایف کامیابیا شیا بدست آوردیم."

این فقط یک تبلیغات است. واقعیات خلاف آن را نشان میدهند. بنا به خبرهای منتشره اتحادیه های مزرعه داران تصمیم گرفته اند راهیما شیا جدیدی به سوی واشنگتن ترتیب دهند. ۵۰ فوریه قطارهای تراکتور ب طرف واشنگتن راه افتادند و در نیمه ماه فوریه به آنجا رسیدند. این مین زمستان است که مزرعه داران بسوی واشنگتن راهیما شیا میکنند. سال گذشته ستون تظاهرات شامل دوهزار تراکتور و کامیون بود. امسال این رقم افزایش خواهد یافت. طی سالهای ۱۹۷۳-۱۹۷۹ قیمت های محصولات کشاورزی در ایالات متحده ۶۵/۸٪ افزایش یافت. در ۱۹۸۰ ترقی قیمتها تا ۱۱٪ خواهد بود. گزارش دبیرکل فا شو (سازمان کشاورزی و خواربار) در باره وضع تغذیه و کشاورزی در ۱۹۷۹ تا پیس نمود که کشورهای صنعتی سرمایه داری در ۱۹۷۸ به موهبت افزایش حجم صادرات محصولات مهم کشاورزی (سویزه غلات) در موقعیت بسیار مناسبی قرار داشتند. حال آنکه کشورهای در راه شد در زمینه درآمدهای حاصله از صادرات محصولات کشاورزی با تنزل ناگهانی روبرو بودند.

### بدون توجه اخلاقی یا اقتصادی

نمونه های "کمک" به شیلی، هندو کامپوچیا از واقعیت "دگرگونیهای برنا مه های غذایی از راه رشد اقتصادی جهان" برده بر می دارد. نه وزیر کشاورزی ونه سایر "نیکوکاران" آمریکا شیا نتوانستند بنهان کنند که امپریالیسم آمریکا میکوشد با برخورداری از شرایط بسیار مساعد رشد کشاورزی سوده های کلانی به دست آورد و بر ضد کشورهای که از نظری "نا مطبوع" تشخیص داده میشوند، از سلاح غیر انسانی گرسنگی استفاده کند. کسانی که چنین سیاستی را رهبری میکنند، در سهای تاریخ عصری زا که در آن به سر می برسد، فراموش کرده اند. تلاش در سود جستن از گندم به عنوان ابزار تهدید و فشار سیاسی یکبار دیگر چهره واقعی امپریالیسم را نمایان میسازد.

خلقهای جهان تنها پایی ریزی اقتصاد ملی مستقل و نا وابسته و مبارزه در راه استقلال روابط نوین اقتصادی بین المللی خواهند توانست به غارتگری های انحصارات امپریالیستی پایان بخشند و محیط سالمی در روابط بین المللی بوجود آورند.

ها را بخواند.

### امپریالیسم آمریکا ابولهل

دربرا برقا نون، موصوبت شخصیت و مسکن و آزادی وجدان است. در ۱۹۷۷ کارتر این قراردادها را تصویب کرد. تشریفات امضای قرارداد دول با هیاهوی تبلیغاتی در ایالات متحده و خارج بود. با وجود این، برای لازم الاجرا بودن یک قرارداد بین المللی آن قرار داد باید تصویب ارگان نیم قانونگذاری عالی کشور برسد. اگرچه همیشه وضع چنین نیست، چیزی که بیشتر اهمیت دارد، این است که واقعیت آمریکا امروز با مقررات این پیمان هادرتضا است. در دژ "دنیای آزاد" شکاف بین نابرابری اجتماعی و قطب بندی جامعه عمیق ترمی شود. در آمریکا ثلث ثروت های ملی به ۵۰٪ جمعیت تغلق دارد. در صورتی که ۲۶ میلیون شهروند در شرایط پایین تر از سطح رسمی فقر زندگی می کنند. تقریبا ۲۰ میلیون نفر از سو تغذیه رنج می برند. نزدیک به ۶ میلیون زحمتکش از دریافت کمک هزینه در ایام پیری محروم اند. حق کارنه در قانون اساسی ایالات متحده ونه در اطلاعیه های آن شناخته نشده است. وجود ۷ میلیون بیکار "مزن" واقعیت پرهیزنا پذیر آمریکا امروز است. بنا به بررسی های اخیر از هر ۵ آمریکایی نوجوان یک نفر "ملا بیسواد" است. چون قادر نیست نامه ای بنویسد یا پرسشنامه و چکی را پر کند. کتاب یا نوشته های مغازه

در آمریکا ۵ میلیون کودک به مدرسه نمی روند. ۳ میلیون کمتر از ۵ سال درس می خوانند. ۵۱ میلیون آمریکایی نوجوان از گذراندن دوره متوسطه محروم مانده اند همه این ها از انگیزه های اقتصا دی و اجتماعی منشا میگیرند. یک سال تحصیل یک کودک در دبیرستان برای هر خانواده آمریکا ۲۰ دلار تمام می شود. انتظار می رود ظرف ۵ سال ارزش تحصیلات ۴۰٪ افزایش یابد. بخش قابل ملاحظه ای از جمعیت ایالات متحده به علت گرانی هزینه های بهداشتی عملا از مراقبت های پزشکی محروم اند. در این کشور سیستم ملی و احدی برای مراقبت های درمانی و پزشکی وجود ندارد. شماره افرادی که در شرایط دشوار مسکن زندگی می کنند، روز به روز افزایش می یابد. در حالی که خانه های زیادی خالی وجود دارد. خانواده های زحمتکشان در خانه های بسیار محقر و کثیف زندگی می کنند زیرا آنها قادر نیستند، اجاره های گزاف بپردازند. یک آنارکرونیسم قرن بیستم همیشه در ایالات متحده آمریکا وجود دارد و آن نابرابری حقوق زن است. این نابرابری به وسیله قانون اساسی به رسمیت شناخته شده است. در این جا گفتگو از حقوق حیاتی ۵۱/۳٪ جمعیت کشور است. وضع زنان به تبعیض درهمه قلمروهای زندگی مشخص

می شود. هم در دستمزد و هم در کار رتبیه وجود دارد. حقوق یک زن تقریبا ۴۳٪ پایین تر از دستمزد یک مرد در کار مشابه است. در خصوص مشارکت در ارگان نیم عالی قانونگذاری کشور با ید گفت که در بین ۴۳۵ عضو کنگره تنها ۱۶ زن وجود دارد.

ارتجاع آمریکا حقوق سیاسی ابتدایی زحمتکشان را الگد مال می کند. در حال حاضر حافظه های الکترونیک ۹۷ موسسه فدرال های ایالات متحده ۳ میلیارد و ۹۰۰ میلیون پرونده تهیه شده در باره شهر وندان آمریکا را در خود ضبط نموده اند.

دالس وزیر خارجه وقت آمریکا در موقع خود اعلام داشته بود که ایالات متحده در هیچ مورد به موافقت نامه های بین المللی در باره حقوق بشر گردن نمی دهد. چون الزامات مشخصی را در باره حقوق شهروندان به وی تحمیل می کند که باعث تغییرات اجتماعی در درون کشور خواهد شد. واقعیت مساله هم همین است. تصویب موافقت نامه های بین المللی در باره حقوق بشر، این موافقت نامه ها را به اسناد حقوقی الزامی ایالات متحده بدل می کند. این عمل به هیچ وجه جوابگوی منافع بورژوازی آمریکا و قبل از همه انحصارات که میلیون ها دلار از راه تبعیض به سیاهان و دیگر "رنگین پوستان" زنان جوانان در رابطه با کار به جیب می زنند، نیست. بنا بر این، هیچ جای شگفتی در رفتار منفی ایالات متحده نسبت به قرار

دادهای موصوف بین المللی وجود ندارد.

### بقیه گسترش دیوانه وار

با جدیت و قاطعیت استراتژی پایگاه های امپریالیسم آمریکا را محکوم کردند. صدها تن از نمایندگان کشورهای مختلف در این نشست های بین المللی خلقها را به خنثی کردن طرح های خطرناک امپریالیسم فرا خوانده و از دولت ایالات متحده آمریکا خواسته اند که در اولین فرصت پایگاه های یش را در اراضی دیگران منحل نماید و ناوهای جنگی اش را از منطقه اقیانوس هند و دریای نخست از خلیج فارس و دریای عمان بیرون ببرد.

### بقیه هنر به مشابه

دیگر می نویسد: "درک عمیق و برابری از زندگی که ویژه خود است کیفیت ماده گرایانه و شادی بخش اش را تا مین می کند. ویژگی واقع گرایانه پر خون و زنده را به همین درک است." (۱۵)

ادامه دارد





بقیه: گسترش دیوانه‌وار...

رسیدن به هدف های سیاسی آمریکا کاش می‌باید... سبب گزارش می‌افزاید که "اگر استراتژی "بازداشتن"

مضمون و روح پیام سنتی کارتر به کنگره به روشنی آن را تایید می‌کند... این پیام سیاست دستگیر رهبری آمریکا را منعکس می‌سازد...

شبکه "آشیا نه های تجاوز" پنتاگون بسیار شاخص است... به نوشته مطبوعات جهان، منجمد آمریکا تعداد

تعداد نظامیان آمریکا در نقاط مختلف جهان از این قرارند:

Table with 2 columns: Country/Region (e.g., Germany, UK, France) and Number of troops. Includes sub-sections for Europe, Middle East, and Asia.

در ماهها هفته‌ها خیر محافل رهبری ایالات متحده فعالیت وسیعی را برای جستجوی پایگاه های جدید گسترش فعالیت آزاد پایگاه های قبلی که اکنون دارای برخی محدودیت ها هستند و توسعه و تجهیزاتی مهم ترین پایگاه ها از دیدگاه استراتژی های پنتاگون آغاز کرده اند.

"کلاه مفرغی های" پنتاگون از مواضع خود در آمریکا لگتین را می‌نهند... از این رو در تلاش اند که این مواضع را توسعه و تحکیم بخشند...

استقرار نظامی آمریکا در اروپا و فعالیت وی در این منطقه به طور چشمگیری شدت یافته است... واشنگتن روز شروز

و دانمارک فشار وارد می‌آورد تا این کشورها اجازه ذخیره کردن ساژوبک جنگی - تانک ها، توپخانه و غیره - در اراضی خود را به آمریکا بدهند... مجله "آمریکا بی نیواندورلسد" رپورتاژ که غالباً سخنگوی مقامات بلندی پایه آمریکا است

تقریباً همزمان اعلام گردید که ساختمان یک انبار بزرگ در (من هلدن، ایالت درنت) طرح ریزی شد که برای ذخیره کردن تجهیزات و ساژوبک جنگی برای لشکر آمریکا که "در موقعیت بحرانی" به اروپای باختری منتقل میشوند اختصاص یافته است.

استقرار نظامی آمریکا در جناح جنوبی سازمان پیمان آتلانتیک شدت می‌یابد... واشنگتن و متحدین وی می‌کوشند که یونان کاملاً به سازمان نظامی پیمان آتلانتیک بگردد

واشنگتن در پایان مارس موفق شد موافقت نامه "آمریکا - ترکیه را دربار" "همکاری در زمینه دفاع مشترک" به امضاء برساند... طبق این موافقت نامه ایالات متحده حق دارد ۲۶ پایگاه و دیگر تاسیسات نظامی به مدت پنج سال در ترکیه داشته باشد...

واشنگتن به تازگی تصمیم گرفت به عذر تحکیم نفوذش در شمال غربی آفریقا به مراکش و تونس اسلحه ها در کند... این منطقه را حول وحوش ورمیانه می‌داند... پنتاگون از نیمکره دیگر دست خود را به این منطقه دراز کرده است...

در حال حاضر آمریکا به تجهیز پایگاه های موجود و پایگاه های جدید التاسیس در نزدیک مناطق نفت خیز خا ورمیانه مخصوصاً مناطق خلیج فارس و سواحل قیاناوس هندو قاره توجه مخصوصی معطوف می‌دارد... روی این اصل پایگاه دیگوگارسیا برای تقویت حضور آمریکا در اقیانوس هند اهمیت بسیار زیادی دارد...

مطبوعات غرب اعلام داشته اند که ایالات متحده آمریکا عملاً اجازه استفاده از پایگاه های هوایی مصر و اسرائیل را کسب کرده است... اگرچه کارتر و اگاریا پایگاه های نظامی از جانب مصر و اسرائیل را در یکی از مواضع های پیش تکذیب

نمود اما اعتراف کرد که "آنها استفاده از تاسیسات موجود را پیشنها کرده اند... کارتر تا بید نمود که هواپیما های اکتشافی و سایر هواپیما های آمریکا می‌توانند از تاسیسات مصر هنگام انتقال ناوهای آمریکا به دریای عمان استفاده کنند...

بر این اساس می‌فهمیم که جزای ایالات متحده به گزارش مطبوعات برای ساختمان دو پایگاه هوایی در صحرای جنوب اسرائیل بالغ بر یک میلیارد دلار تجهیزات فنی یکا رمی - برد، خبرگزاری یوپی در ماه فوریه خبر داد که در ۲۶ ماه آینده ایالات متحده، آمریکا "باید ساختمان تاسیسات وسیعی را به پایان برساند... اسرائیلی ها برای ساختمان چنین تاسیساتی در اکتوبر ۱۹۷۴ سال وقت صرف کردند... این کار در ایالات متحده تا ۴ سال بطول می‌نجامد..."

واشنگتن پیوسته در برابر برخی کشورهای سواحل اقیانوس هند این درخواست را مطرح می‌سازد که به پنتاگون اجازه دهند که از پایگاه های ایشان در اراضی آنها استفاده کنند... سخنرانی به گومر معاون وزیر دفاع ایالات متحده، آمریکا که در آغاز آوریل در کمیسیون امور خارجه مجلس نمایندگان ایرا دکر، به خوبی کیفیت طرح این مسئله را تصویر می‌کند:

"به کوتا سخن، کوشش ما این است که اجازه استفاده از پایگاه ها و تاسیسات زیر را به دست آوریم:

هدف ما در عمان استفاده و نوسازی فرودگاه های نظامی صعب، پایگاه های سومره در جزیره صیره، بنا در موشیره و ملاله (به ترتیب مینا قابوس و مینا ریضوط) است... در کنیا ما می‌کوشیم که نیروی هوایی و دریایی ایالات متحده، آمریکا از پایگاه های مومبازا، امباکازی، و نایبیرگی وسیعاً استفاده کنند.

در سومالی، ما تلاش می‌ورزیم که حق استفاده از فرودگاه ها و بندر بربر و فرودگاه ها و بندر موگا دیشورا برای نیروهای هوایی و دریایی آمریکا بدست آوریم...

در پایان ماه مارس انتقال بخش مهمی از واحدهای آمریکا به سومالی آغاز گردید... اکنون خوابهای طلایی پ. کومر به حقیقت پیوسته است و امیریا لیس آمریکا توانست حکومت های ضد خلقی کنیا و سومالی را به حلقه پایگاه های نظامی خود بکشد...

مقامات رسمی آمریکا در این تلاش اند که نقشه ها ایشان را در جستجوی پایگاه های تازه و امکانات واقعی استفاده از این پایگاه ها مکتوم بمانند... با وجود این، گاهه خبرهایی در این باره در مطبوعات درز پیدا می‌کند... مثلاً مجله "آمریکایی فورچون" خاطرنشان می‌سازد که ایالات متحده می‌تواند "از پایگاه کوچک دریایی بحرین بطور محدود استفاده کند..."

هفته نامه "بیزنس ویک خبری می‌دهد که کارکنان پنتاگون "به کسب پایگاه های نظامی در عربستان سعودی و جیبوتی سخت ذی‌علاقه اند..." مجله "انگلیسی نیوافریکن" می‌نویسد: اسرانه های پنتاگون "سخت مشتاقند که در شاه نشین دومی که اکنون جزء دولت امارات متحده عربی است، پایگاه دریایی تاسیس نمایند..." در این زمینه خبری در روزنامه "الحریه لبنا نی منتشر شد... طبق این خبر در حال حاضر در امارات عربی بندری که بسیار فراتر از نیا زهای این کشور است در دست ساختمان است که توجه همگان را به خود جلب می‌نماید... این روزنامه می‌افزاید که این بندر "محتماً مهمترین پایگاه دریایی ایالات متحده در این منطقه خواهد بود..."

رهبری آمریکا که استراتژی پایگاه های پیش را با مخالفت روزافزون و افکار عمومی جهان به ویژه با مخالفت خلقهای کشورهای پنتاگون در صدد استقرار پایگاه ها در اراضی آنهاست روبرو می‌بیند... به خیله های حقوقی و صوری متوسل شده است... طبق این خیله واشنگتن از کاربرد اصطلاح تاسیس پایگاه ها که مفهوم استقرار را کمیت ایالات متحده را در اراضی دیگران در ذهن القاء می‌کند، صرف نظر کرده و به جای آن اصطلاح اجاره در آمدت پایگاه ها را بکار می‌برد... تا از زندگی عنوان تاسیس پایگاه ها کاسته شود... اما بنا به ضرب المثل معروف "چه خواهی، چه علی خواهی" حس امر یحیاست: منظور استفاده از پایگاه های نظامی برای سرکوب خلقها و جنبشهای رها بی‌حس ملی است... از این رو، خلقهای شیفته آزادی، استقلال و صلح با حضور نظامی مهربان لیست ها به هر شکل و عنوان مخالفت آن را تهدید جدی برای موجودیت و حاکمیت خود می‌دانند... در دوران ما خلقها بیش از پیش بر ضد پایگاه های آمریکا به مقابله بر می‌خیزند... کنفرانس بین المللی در راه صلح و امنیت و کنفرانس بین المللی بر ضد پایگاه های امیریا لیستی و برای امنیت و همپاری در مدیریتانه که در ماه مارس سال جاری به ترتیب در دهلی و والت پایتخت جزیره مالت برگزار شد و همچنین اجلاس اخیر پارلمان ملتها در صوفیه (بلغارستان) در صفحه ۴



### بقیه: مردم قهرمان ایران...

۵۹/۵/۱۵) و اسراییل برای اجرای این توطئه ۵۵ فروند زره-پوش در اختیار نیروهای وابسته به بختیار در عراق می‌گذارد، سپس از دیدار صدای از عربستان، ضیاء الحق همتای پاکستانی او به دیدار ملک خالد می‌رود تا با شاکه توطئه‌گران از دشمنان رنگارنگ انقلاب ایران تکمیل گردد. ما حاصل این دیدارها تمرکز حدود ۳۰۰۰ تنک و تعداد زیادی آتشبار توپخانه‌ها با پوشش عملیات هوایی در مرزهای ایران بود (جمهوری اسلامی ۵۹/۵/۱۹).

به دنبال این فعل و انفعالات کارشردریک نظطق تلویزیونی اعلام می‌دارد که "دولت آمریکا مجبور است در ایران به جای معامله با یک دولت منطقی با گروهی فنا تیک سروکار داشته باشد". ابهام‌گفته کارشردریک به وسیله وزیر خارجه و ادوین ماسکی برطرف می‌شود و گوشه‌های عملی سیاست جدید آمریکا در باره ایران بیرون می‌زند. ماسکی اعلام می‌دارد که "دولت آمریکا مشغول بررسی ابتکارات تازه - ای بیرون ایران است" (صبح آزادگان ۵۹/۵/۲۳).

نتیجه بررسی "ابتکارات تازه" آمریکا در رویی با گروهی فنا تیک، نقل و انتقالات وسیع آمریکا در خلیج فارس و اقیانوس هند بود. آمریکا بنا و کان جنکی حامل نیروهای نظامی با هلی‌کوپترهای کلدن کانال و ۱۸۰۰ پیلو در دریای مدیترانه خلیج فارس اعزام می‌دارد و همزمان اعلام می‌شود که ۲۵۰۰ نفر از افراد نظامی آمریکا به منطقه خلیج فارس منتقل شوند و اشنگتن بیست در توصیف این کنش‌ها نوشته بود "سرعت گسترش این استحکامات بیش از آن است که بسیاری باور دارند" (صبح آزادگان ۵۹/۵/۲۳).

دیدار همزمان وزیر خارجه، انگلستان و وزیر کشور عراق از عربستان سعودی (کیهان ۵۹/۶/۴) و جمهوری اسلامی ۵۹/۶/۵) و ورود فرمانده نیروی دریایی آمریکا در خاور - میانه به بحرین (کیهان ۵۹/۶/۱۰) به تشکیل ستاد عملیات جنگی عراق در خاندنقین می‌انجامد (کیهان ۵۹/۶/۱۲).

بدین سان ملاحظه می‌شود که چگونه رژیم بعثی عراق برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی ایران و خفه کردن انقلاب خلقی ما گام‌ها را در لحزرا خاست به جنبش ضد امپریالیستی خلقیهای این منطقه فرو می‌رود و با الهام از تاسیونالیسم عن ارتجاعی خود در یک توطئه گسترده بین - المللی در محور واشنگتن - لندن شرکت می‌کند.

شرکت رژیم صدام خا شن در توطئه تاج و زملحا نه به جمهوری اسلامی ایران از جهات مختلف برای امپریالیسم آمریکا نتایج بسیار مطلوبی داشته است.

- جنایتی که رژیم صدام با سیونال - شویونیست بعث عراق بدان دست زد از هیچیک از رژیم‌های آبرویا خسته، ارتجاعی منطقه ساخته نبود. رژیم بعث عراق که هنوز از "وجه" کاذبی در دنیای عرب برخوردار است، شانس مسا عدی برای برانگیختن احساسات اعراب علیه ایران غیر عرب دارد. به همین علت بعث عراق تاج و ز خود را با شعارهای "وطن عربی" و مبارزه با "مجوس" رنگ آمیزی کرده است.

به همین منظور با دیدا هشیاری تمام با مساله برخورد کرد و با تبلیغ راستین هدفهای ضد امپریالیستی جمهوری اسلامی ایران در سطح جهان و منطقه و نزدیکی بی‌تردیدی - سنجیده با رژیم‌های انقلابی و ضد امپریالیستی و جنبش‌های آزادی بخش خلق عرب توطئه "وطن عربی" صدام را در نظر خلق عرب بی‌بها و بی‌تا شیر نمود.

- رژیم بعث عراق که پیش از فرمانروایی مطلق صدام خا شن و ارتداد سیاسی - اجتماعی او در کناره رژیم‌های انقلابی اعراب، مدعی مبارزه با صهیونیسم و امپریالیسم بود و با قطع رابطه با آمریکا خود را در مسیر این مبارزه نشان می‌داد، مانند سوریه و لیبی در برابر تاج و ز اسراییل صهیونیست از تاج و دشواری سلاح تدافعی و تعرضی دریافت می‌نمود. اکنون با سوء استفاده از این سلاح‌ها علیه خلق ایران به تبلیغات ضد شوروی که مضمون اساسی خط برژینسکی می‌شود و مبنای کار تراست میدان عمل مسا عدی داده است. امپریالیسم آمریکا وسیله جاکان خط برژینسکی از وضع فعلی عراق در ابعاد مختلف بهره برداری کرده، سعی دارد توطئه جهانی احصا را تارکترین المللی را در سرکوب جنبش‌های رهایی بخش تانسی "دوا بر قدرت" و انمود کند و به ملت‌ها بقبولاند که در این جهان بی‌پنا و "همه در کمین" نا بودی آنها هستند.

هم اکنون تبلیغات تند در جریان است که رژیم‌های انقلابی و ارتجاعی اعراب و جهان را در یک تراز و قرار دهد و با این توطئه ظریفانه انقلاب ایران را از پشتیبانی نیروهای انقلابی جهان محروم سازد و با منزوی کردن جمهوری اسلامی ایران آن را به نا بودی کشاند.

یکی از هدف‌های مهم جانبداران خط برژینسکی در ایران استفاده از هر فرصت برای تیره ساختن روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای سوسیالیستی به ویژه

اتحاد جماهیر شوروی است. دستا ویز قرار دادن میکهای عراقی برای برانگیختن احساسات مردم انقلابی ما بر ضد اتحاد شوروی در همین خط سیر است.

خیانت سادات ها و صدام‌ها که از سلاح‌های روسی استفاده می‌کنند، هیچ ربطی به اتحاد شوروی ندارد. آنان پس از خیانت به خلق خود از همه امکانات موجود مادی و معنوی در راه رضای مطامع خود سو استفاده می‌کنند. میکهای و تانکهای روسی مصر و عراقی مروزها نقد روسی است که فانتوم‌های آمریکا بی ایران، آمریکا بی. اگر رژیم انقلابی ایران از این فانتومها و دیگر ابزارهای جنگی آمریکا بی سلاحی برای دفاع از انقلاب خلقی اسلامی ایران ساخته و با آمریکا دستیارانش می‌جنگد، رژیم صدام بعثی با خیانت به آرمان‌های خلق قهرمان عراق از ثروت‌های مادی و معنوی این کشور منجمله زرا دخانه نظامی که زمانی در خدمت حفظ استقلال و دستاوردهای انقلاب عراق قرار داشت، در جهت حفظ منافع میلیونیهای استعمارگر عراقی استفاده می‌کند.

علیرغم این سمپاشی‌ها میهن انقلابی ما با برخورداری از مساعده‌ترین شرایط تناسب نیروها در سطح جهان که کفسه سنگین آن را سوسیالیسم جهانی تشکیل می‌دهد، با امپریالیسم آمریکا و نوجوه‌های رنگارنگ آن منجمله رژیم صدام خا شن دست و پنجه نرم می‌کنند و همه عوامل مسا عدی خلی و بیسن - المللی برای پیروزی انقلاب و حفظ رژیم ضد امپریالیسم جمهوری اسلامی ایران فراهم است.

هشیاری و بیداری توده‌های مردم و رهبران صدیق انقلاب هرگز از آنخواهدا دکامپریالیسم و ایادی آن با این زرمه‌های انزوا طلبانه چرخ تاریخ را به عقب برنگردانند و انقلاب اسلامی ما را به تنهایی کشند.

امپریالیسم مانند همیشه با دکاش و توفان درو کرد. تاج و زخا شنانه رژیم صدام به میهن عزیز ما برخلاف سنجش‌های توطئه‌گران محروم واشنگتن - لندن مردم قهرمان ایران را بیش از پیش به دفاع از رژیم نوینیا د انقلابی ما برانگیخت.

فرزندان دلاور مردم زحمتکش ایران در ستون‌های رزمی پاسداران، سربازان، نوابان، هوانوردان، افسران و ارتش بیست میلیونی نقشه شوم امپریالیسم آمریکا و صدام خا شن را نقش بر آب ساخت.

بیشک تا زمانی که مواج خروشان اراده خلق ما بر صخره پایداری می‌کوبد، عجزگان تاریخ - امپریالیسم و ایادی آن - کاری از پیش نخواهند برد.

### پاره‌های از ارزیابی‌های حزب کمونیست عربستان سعودی

(...) در دوران اخیر در اثر رشد نسبتاً سریع روابط تولید سرمایه داری - دگرگونی‌های بی‌در ساختار اجتماعی کشور صورت گرفت. این دگرگونی‌ها به نوبه خود در زندگی اجتماعی و دستگاه دولتی که بخشهای اداری و اجرایی آن روجه شکل - گیری و تکامل است، تغییراتی را موجب گردیده، این روند در دو جهت جریان دارد: از یک سو در جهت تقویت شدید ارگان - های اجرایی دولتی (ارتش، پلیس مخفی سازمان امنیت و پلیس مذهبی - شرطه) - به علت اهمیت روز افزون سیاسی و اقتصادی عربستان سعودی در جهان عرب، نقش فزاینده جنبش آزادیبخش عربی، گسترش نارضایتی توده‌های محروم و نیرو گرفتن مخالفان که خواستار دگرگونی‌های اقتصادی و اجتماعی هستند. (...) از سوی دیگر ادارات دولتی به وجود آمده، گسترش می‌یابد. (...) زیرا روابط جدید اقتصادی و اجتماعی و مسائل اقتصادی ناشی از آن که حل آنها به عهده دولت بود، ایجاد و گسترش ادارات دولتی را اجتناب ناپذیر نموده بود. وظایف دستگاه دولتی که همواره پیچیدگی بیشتری می‌یافت عدم توانایی قدرت مرکزی مطلقه، فرتوت را در انجام وظایف جدید نشان داد این امر کارشناسان رژیم را بر آن داشت تا توانین جدیدی به منظور نظام بخشیدن به فعالیت‌های دولتی تدوین کنند. (...) گرچه توانین جدید اختیارات ارگانهای دولتی را بالا برد

و به آنها استقلال بیشتری در حل مسایل محلی داد و از این طریق تمرکز قدرت بوروکراتیک را تا حدودی تضعیف کرد اما این قانون گذارها - همانگونه که در ماهیت آنهاست - اختیارات نامحدود و مطلق شاه را که در مصوبات شورای وزیران در سال ۱۹۵۸ تحکیم شده بود به هیچ وجه محدود نساخت. متمرکز بودن قدرت در دست یک نفر به نام شاه، عدم وجود قانون و انواع ارگانهای نمایندگی مردم و نیز فقدان بنیادهای گوناگون دموکراتیک موثر در ایجاد ارگانهای دولتی و تصویب قوانین، شواهد مهمی بر وجود تسلط قدرت مطلقه در عربستان سعودی است. (...)

این نظام مطلقه مردم را از ابتدایی ترین حقوق خود محروم ساخته است؛ هنوز هم فعالیت احزاب، ایجاد سازمانهای حرفه‌ای و سندیکایی و آزادی مطبوعات مانند گذشته ممنوع است. بی‌حرمتی به زنان و بی‌احترامی به سایر ادیان و مذاهب به شدت اعمال می‌شود.

به عنوان نمونه شیعیان اجازه برگزاری مراسم مذهبی خود را ندارند و از خدمت در ارتش نیز محروم هستند. از مطالعه آثار ادبی، فلسفی و هنری بین المللی جلوگیری می‌شود. رسانه‌های گروهی کشور به پست ترین و رزولانه ترین شکل به تبلیغات داعمی علیه هر نوع اندیشه نو مشغولند. در عین حال ارگان‌های ختقاق و امنیتی در کنترل مردم، ایجاد در عیب و وحشت در بین آنها و تضعیف نیروهای مبارز از آزادی عمل کامل برخوردارند. این فضا و ختقاق شامل مردم عادی نیز می‌شود. (...)

از اعلام عمومی دو سال می‌گذرد (در سال ۱۹۷۵، توضیح هیئت تحریریه) اما

- برجیدن بساط سلطنت و ایجاد جامعه اسلامی به جای آن - تحریم صدور نفت به ایالات متحده آمریکا، پشتیبان خاندان سلطنتی و عامل اصلی اعمال سیاست ضد ملی در عربستان سعودی

این گروه در سال ۱۹۷۷ اعلامیه‌هایی با اهداف ذکر شده توزیع کرد و علی‌رغم موج وسیع دستگیری که منجر به کشته شدن صد هانفر به ویژه در ایالت مرکزی شد، بسیاری از اعضا و هواداران این گروه موفق به فرار شدند، از جمله مشول جناح نظامی گروه که خود یکی از افسران عالی رتبه کار رملی بود. اسلاف الصالح در سالهای بعد به فعالیت‌های مختلف از جمله وارد کردن اسلحه به هنگام مراسم حج دست زد. در نوامبر ۱۹۷۹ کمی قبل از اشغال مسجد الحرام اعلامیه‌های متعدد علیه خاندان سلطنتی و امپریالیسم آمریکا از جانب این گروه در سطح وسیع پخش گردید. اسلاف الصالح فعالیت خود را به ویژه در بین قبایل مختلف و کار رملی متمرکز نمود و با الهام از انقلاب اسلامی ایران دست به عملیات متعددی در ریاض، کاظمین و دیگر شهرها زد. این گروه در جنبش اعتراضی در ایالت - های غربی کشور و در اشغال مسجد الحرام در ماه نوامبر در سال ۱۹۷۹ شرکت وسیع داشت.

اتحاد مردم صاحب امتیاز: محمود اعماد زاده (به‌آذین) سردبیر: محمد تقی برومند نشانی: خیابان سزاوار شماره ۱۸۹



واقعت نشان داده است که رژیم سعودی هیچگاه به آن توجه جدی نگرفته و از آن تنها به عنوان وسیله، فشار رقبیه نیروهای ملی و به منظور درهم شکستن نیروی مقاومت آنها استفاده کرده است. تاکنون هیچ یک از مواز ذکر شده در اعلامیه، عفو عمومی حتی برای یک بار نیز عملی نشده است. (...)

منبع: بخشی از گزارش سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست عربستان سعودی (اوت ۱۹۷۷) منتشر شده در سپتامبر سال ۱۹۷۸ از طرف کمیسیون خارجی جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین)

### گروه مقاومت اسلامی

### اسلاف الصالح

اسلاف الصالح گروهی است که در سال - های موجود ادوا اعضا آن را عمدتاً دانشجویان مدارس عالی مذهبی در ایالت غربی عربستان سعودی تشکیل می‌دهد. این گروه در درون کار رملی و چند قبیله بویژه قبیله عطیبه یکی از قبایلی که بیشترین افراد کار رملی از بین آن است هواداران زیادی دارد. اسلاف الصالح در خا رج زمره - های کشور به ویژه در منطقه خلیج فارس از جمله در کویت و در یمن شمالی هوادارانی دارد.

اهداف سیاسی - اجتماعی - بازگشت به صدر اسلام پایا بخشیدن به تقلید و دنباله روی از کشورهای غربی "کافر" - سرنگونی ملک خالد به علت بی - احترامی وی به تعالیم اسلام